

رویکرد فرهنگی به فال‌نامه مجلات خانواده:

تحلیل گفتمان صفحه «ماه به ماه با رازهای خوشبختی» مجله «خانواده سبز»

نعمت‌الله فاضلی^۱، اقبال خالدیان^۲، حسین رضائی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۵ تاریخ تایید: ۹۲/۱۲/۱۸

چکیده

این مقاله در پی شناخت فرهنگ ایرانی از خلال صفحه فالنامه مجلات موسوم به خانواده است. بر این اساس برای دست یافتن به ساختار فالنامه‌ها و آگاهی از زمینه اجتماعی و فرهنگی این پدیده و ساخت زندگی روزمره ایرانی به تحلیل صفحه فالنامه مجله «خانواده سبز» تحت عنوان «ماه به ماه با رازهای خوشبختی» پرداخته شده است. به این منظور با اتخاذ رویکرد «جهان-محلی» و با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون‌دایک، مقولات متون فالنامه استخراج و تفسیر گردید. نتایج نشان می‌دهد که جملات فال در وهله اول در برگیرنده ساختاری از قبیل کلی‌گویی، این‌همان‌گویی، مثبت‌اندیشی، واگویی بدیهیات و تقدیرگرایی است. در وهله دوم متون فال با آگاهی از زمینه اجتماعی و فرهنگی خواننده متون، زندگی روزمره مخاطب را در قالب مقولاتی چون آینده‌نگری، توصیف مشکلات، توصیف شخصیت، ارتباطات و روابط عاشقانه به تصویر کشیده است. در نهایت، بررسی مسائلی مانند فال دریچه‌ای است گشوده به سوی دنیای جوانان و زنان و از این راه می‌توان تجربه درونی بهتری از واقعیت‌ها و تحولات دنیای آن‌ها به دست آورد.

واژگان کلیدی: فرهنگ ایرانی، فالنامه، تحلیل گفتمان، مجلات خانواده، مجله «خانواده سبز».

Nfazeli@hotmail.com

E.khaledian@gmail.com

Ramazanihosain@yahoo.com

۱. عضو پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. کارشناس ارشد ارتباطات دانشگاه صدا و سیما.

۳. کارشناس ارشد ارتباطات دانشگاه تهران.

مقدمه

در این مقاله سعی خواهد شد به بررسی متن فالنامه‌های موجود در مجله «خانواده سبز» پرداخته شود. فال و فالگیری در ایران در سال‌های اخیر گسترش یافته است. نه تنها در بین عامه مردم، حتی بسیاری از دارندگان مدارک و مدارج دانشگاهی نیز فال می‌گیرند و به فالگیرها مراجعه می‌کنند. مطبوعات و رسانه‌ها نیز گاه و بیگاه به بررسی فالگیری رواج آن در ایران و جهان می‌پردازند. روان‌شناسان و متخصصان آسیب‌های اجتماعی نیز در میزگردها و مصاحبه‌های مطبوعاتی اغلب از رواج فالگیری به مثابه نوعی کج‌رفتاری، شیادی و یا کلاهبرداری در ایران یاد می‌کنند (گروه اجتماعی مجله گزارش، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۴).

اما هنوز محققان علوم اجتماعی کمتر به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. شاید به این دلیل که هنوز فالگیری را به حد کافی مهم یا ارزشمند نمی‌دانند که درباره آن بیان‌دیشند و یا اینکه فالگیری را نوعی «کنش زنانه» غیر مهم می‌دانند که از حیثه دستور کار آنها خارج است. بسیاری نیز ممکن است این موضوع پیش پا افتاده را در مقام و مرتبتی ندانند که در شأن روشنفکر یا محقق دانشگاهی باشد. به علاوه، روش‌های جاافتاده تحقیق اجتماعی پیمایشی و کمی‌گرا و آماری موجود در علوم اجتماعی ایران نیز قادر به شناخت و فهم این پدیده نیست. فالگیری اگرچه ممکن است به چشم محققان اجتماعی در ایران کمتر دیده شود، اما یکی از واقعیت‌های جامعه امروز ماست. کتاب‌های بسیاری درباره راهنمای فالگیری و پدیده‌های مشابه آن در سال‌های اخیر به زبان فارسی ترجمه یا تألیف شده است. روش‌های متنوعی برای فالگیری به وجود آمده و حتی از طریق اینترنت به آموزش فالگیری می‌پردازند^۱ اما اکنون وقت آن رسیده تا محققان علوم اجتماعی با بررسی اینگونه موضوعات که گسترش یافته‌اند و به نحو تناقض‌نمایی هم با ارزش‌های سنتی و هم با ارزش‌های مدرن ناسازگارند، دریچه‌ای به سوی واقعیت‌های فرهنگی و تحولات درونی جامعه ایران بپردازند.

اما نفس وجود فالگیری به تنهایی یک مسئله است، مساله‌ای که در گذشته نیز وجود داشته است، اما روند گسترش و ظاهر متناقض آن که اساساً با ارزش‌های عقل‌گرایانه امروزی ناسازگار می‌نماید، مساله‌ای دیگر است. از این‌رو، شناخت فالگیری در شرایط امروز، مستلزم تبیینی است که گسترش و منطق فرهنگی آن را توضیح دهد نه کلیت فالگیری در طول تاریخ را. یک رویکرد برای شناخت و تبیین «گسترش فالگیری» (نه پیدایش یا کلیت آن) به مثابه یک

۱. وبسایت جادوگران: www.jadoogaran.org.

موضوع یا «مسأله فرهنگی» در تهران و ایران، مثل دیگر پدیده‌های فرهنگی در دنیای امروز، شناخت آن در بستر تحولات مدرنیته و پسامدرنیته است. مدرنیته آنگونه‌ای که در اینجا مد نظر است همان تجربه ما از امروزی شدن است. و پسا مدرنیته هم تجربه ما در بستر تحولات متأخرتر مدرن شدن در پرتو تکنولوژی‌های ارتباطی، رسانه‌ها و جهانی شدن است. دقیقاً از این منظر است که این سوال مطرح می‌شود که مدرن شدن با عقلانیت، علم و صنعت همراه بوده است، اکنون چرا مردم مدرن‌تر که می‌شوند به خرافات و باورهای غیر علمی مثل فال گرایش پیدا می‌کنند؟

نکته دیگر قابل طرح این است که، این جملات عجیب که برای توصیف آن از یک پارادوکس قشنگ «متنی از آن همه و هیچ کس» استفاده می‌کنند، فقط در یک زمینه محتوای ثابت بروز نکرده است، تا جایی که ما دهه‌ها نوع فال را داریم که آن هم با استقبال فراوان روبرو است. یکی از این انواع، فالنامه می‌باشند که در مجلات خانواده موجود می‌باشد. مجلاتی که از مهمترین خصیصه آن پرداختن به حواشی زندگی روزمره است. موضوعاتی که بسیار جذاب می‌باشند. و این جذابیت و از پشت صحنه خبر دادن عامل رونق اینگونه مجلات در بین عامه مردم گردیده است. یکی از این موضوعات جذاب که در اکثر مجلات وجود دارد بحث طالع‌بینی می‌باشد. در مقاله پیش رو سعی شده است با تحلیل صفحه فالنامه «ماه به ماه با رازهای خوشبختی» مجله «خانواده سبز» به عنوان پرخواننده‌ترین مجله ایرانی (به نقل از سایت مجله خانواده سبز)، به الگوی ساختاری فالنامه‌ها دست یابیم، و از دریچه بررسی این ساختار به فهم و شناختی فرهنگی از واقعیت پدیده فال دست یابیم و علت این استقبال و روی آوردن مردم به این گونه نوشته‌های عجیب را دریابیم.

چارچوب نظری تحقیق: فال به مثابه امری فرهنگی

فال‌گیری پدیده‌ای محلی و منحصر به جامعه‌ی ایران نیست. از این‌رو، باید این موضوع را در بستر تحولات جهانی امروز و در عین حال وضعیت محلی خاص جامعه‌ی خودمان تبیین کنیم. یعنی باید نوعی تبیین «جهان-محلی» برای فال‌گیری داشت. برای رسیدن به تبیین جهان-محلی، باید پدیده فال‌گیری را در بستر و با ملاحظه روندهای تحولی و فرایندهای فرهنگی جهانی، مانند جهانی شدن، رسانه‌ای شدن، سرگرمی شدن، زنانه شدن، مصرفی شدن، فراغتی شدن، عامه‌پسند یا توده‌ای شدن، مجازی شدن و تجاری شدن مورد توجه و بررسی قرار داد. این رویکرد که آن را «رویکرد فرهنگی» شدن می‌نامند، پدیده فال‌گیری را بیش از آن‌که ناشی از پیامدهای منفی بداند، ناشی از اهمیت یافتن «امر روزمره» یا «زندگی روزمره» در جامعه معاصر و گفتمان‌های فرهنگی موجود می‌داند (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). اگر از زاویه‌ی فرهنگ و

زندگی روزمره، به پدیده‌ی فال‌گیری و گسترش آن بپردازیم، در می‌یابیم که اگرچه این پدیده دارای مبانی عقلانی نیست، اما با فرایندهای فرهنگی و جهانی دوره‌ی امروز که برخی آن را پسامدرنیسم یا «دوره‌ی فرانوگرایی» می‌نامند، هم‌سوست از این‌رو در این رویکرد، بررسی درستی یا نادرستی فال‌گیری اهمیت چندانی ندارد، بلکه موضوع مهم‌تر، چگونگی فهم این پدیده در بستر تحولات فرهنگی جامعه‌ی کنونی است.

از لحاظ نظری، فال‌گیری یک «سازه» یا نوعی «تولید اجتماعی» است. این پدیده همواره وجود داشته است، اما در هر دوره از تاریخ، متناسب با شرایط خاص آن دوره، برای این پدیده «معنای فرهنگی» و «کارکرد اجتماعی» خاص وجود داشته است. فال‌گیری کنشی است که معنای آن در بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی‌اش شکل می‌گیرد. در عین حال، پدیده‌ی فال‌گیری با کلیت زندگی اجتماعی ما در ارتباط است. از این‌رو نمی‌توان آن را مجزا از زندگی یا خارق‌العاده تصور کرد. اگر به «منطق اجتماعی» و «معنای فرهنگی» این پدیده پی ببریم، دیگر تصور خارق‌العاده‌ای از آن نخواهیم داشت. بخشی از جنبه‌ی «خارق‌العادگی» فال‌گیری، نه به دلیل ساختار شگفت‌فالنامه‌هاست، بلکه به دلیل ناآگاهی و شناخت نداشتن مشتریان آن‌ها از منطق اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی این پدیده است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۷۹).

با توجه به این نحوه نگرش، شاید بتوان «پدیده گسترش فال‌گیری» را پاره‌ای از تحولات پسامدرنیته نامید. به دو شیوه می‌توان فال‌گیری را به پسامدرنیته نسبت داد. برخی فال‌گیری را واکنش منفی مردم نسبت به مدرنیته می‌دانند؛ عصر جدید عصر جهانی شدن همه‌ امور است از جمله جهانی شدن فالگیری و استخاره و انواع خرافات. گرایش به فالگیری و انواع شعبات آن، بر خاسته از بن‌بست‌های زندگی مدرن است.

در واقع میل به فالگیری همان پناه بردن به جهل خویشتن است و نیز راهی برای خروج از آن. می‌توانیم این امر را نوعی گرایش جاهلانه به ماوراءطبیعه نیز تلقی کنیم. فالگیری نوعی گریز از فهم مسائل است. درست به همین دلیل عاقبت آن به خرافات جنون‌آمیز و گاه به روان‌پزشک و تیمارستان می‌انجامد. گاه آدمی به بن‌بستی می‌رسد و بر سر دو راهی یک انتخاب، سرگردان می‌شود و با اینکه به واسطه عقل و تجربه راه درست را می‌داند ولی میل به انتخاب نادرست دارد ولی از عاقبت شوم این انتخاب می‌ترسد و لذا برای فرار از مسئولیت آن، به فال روی می‌آورد. جالب اینکه در پاسخ هر فال و استخاره‌ای اگر به نفی انتخاب مطلوب نفس خود برسد باز به تکرار و تفسیر و تبدیل فال می‌پردازد و آنقدر ادامه می‌دهد تا به تصدیق عمل نادرست برسد و بدینگونه مسئولیت آن عمل نادرست را به گردن ماوراءطبیعه و در واقع به گردن خدا می‌اندازد. پس واضح است که چه عملی جنون‌آمیز و منافقانه می‌باشد. در کلام آخر فالگیری از هر نوعی چیزی جز شرّ و گناه اعمال خود را به خدا نسبت دادن نمی‌باشد و گناهی بزرگتر از

این نیست. گناهی که از اصل آن عمل زشت، نابخشودنی‌تر است و درست به همین دلیل عاقبت این راه و روش به غایت حماقت و جنون می‌انجامد و میدانیم که حماقت عذابی غیر قابل شفاعت است.^۱

این که آیا فال‌گیری ناشی از سرخوردگی مردم از مدرنیته است، یک مدعایی است که درستی یا نادرستی آن به بررسی‌های تجربی نیاز دارد. اما این یک واقعیت است که ما در زمانه مدرنیته و پسامدرنیته ارزش‌ها و مسائل آن زندگی می‌کنیم و لاجرم متأثر از آنها هستیم. ولی شاید بتوان به نحو مثبت نیز به این موضوع نگریست. پسامدرنیته البته وجوه معرفت‌شناختی، زیباشناختی و اجتماعی گوناگون دارد. یکی از ویژگی‌های آن در آمیختن ویژگی‌های سنتی با ویژگی‌های مدرن است. احیای ارزش‌ها و باورها و آیین‌های سنتی در یک بستر تازه از جمله تحولات فرانوگرایی یا پسامدرنیته است. از این‌روست که در کشورهای توسعه یافته صنعتی غربی رفتارهای جادوگری و فال‌گیری و امثال آن بیش از دیگر کشورها در حال گسترش است. حتی جنبش‌های ضد علم و جنبش‌هایی که ارزش‌های دوره مدرن را نقد یا نفی می‌کنند نیز رواج دارد. مثلاً فالگیری در کالیفرنیا و لس آنجلس خیلی گسترش دارد. در فرانسه و آلمان و انگلستان هم همین‌طور است. نه تنها فالگیری بلکه در بریتانیا و اروپا آیین‌های پیگنسم، جادوگری و آیین‌های مربوط به دوره‌های ماقبل مسیح مجدداً احیا شده‌اند. این آیین‌ها خدا را نفی می‌کنند و به موجودات مبهم و متافیزیکی اعتقاد دارند.

در جهان امروز مجدداً نوعی بت‌پرستی رو به گسترش است. اگر در اینترنت واژه‌ی ویج گرفت^۲ و واژه‌های مترادف آن را جستجو کنیم، بیش از یک میلیون وب سایت را می‌توان مشاهده کرد. اینترنت خود از جمله عواملی است که باعث گسترش یافتن و قدرت گرفتن و مشروعیت یافتن گروه‌ها، هویت‌ها و آیین‌هایی شده است که در گذشته ناشناخته یا کلاً فاقد هرگونه امکان بازنمایی فرهنگی بودند. اکنون این ویژگی دنیای «مجازی شده» و «اینترنتی شده» امروز است که اجازه می‌دهد گروه‌هایی مانند جادوگران که زمانی در اقلیت بودند، اکنون به هویت‌های اجتماعی بزرگ یا هویت قابل رویت در سطح جهانی تبدیل شوند.

معمولاً مردم خودشان را آنطور که دوست دارند و باورهایشان اجازه می‌دهد با شرایط منطبق می‌کنند، نه لزوماً آنطور که ایده‌آل‌های سیاسی یا فرهنگی گروه خاص یا حتی دولت می‌طلبند. در عین حال، زندگی فرهنگی مردم و رفتارهای آنها و گزینش‌های شان لزوماً یا کاملاً آگاهانه و

۱. سایت پارسیک: www.parseek.com

۲. witchcraft

مطابق نقشه و مطالعه هم نیست. اگر می‌گوییم فال‌گیری امری جهانی است و از پیامدهای دوره فرانوگرایی است، این سخن به معنای آن نیست که مردم منطقه دو تهران می‌دانند فال‌گیری در دنیا رو به گسترش است، پس حالا از آن پیروی کنند. واقعیت این است که رسانه‌ها و فرایندهای جهانی‌شدن و در عین حال وجود زمینه‌های فرهنگی بومی و نیازهای اجتماعی معین دست در دست هم می‌دهند و باعث شکل‌گیری نوع خاصی از رفتارهای فرهنگی می‌شوند. برای مثال، مردم منطقه یک و دو تهران (مناطق مرفه و برخوردار شهر تهران) عموماً از رسانه‌ها و تکنولوژی‌های امروزی بهره‌مندند و بسیاری نیز به زبان انگلیسی مسلط‌اند. بسیاری از آنها اقوام، دوستان و آشنایانی دارند که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند یا خودشان مدت‌ها ساکن کشورهای خارجی بوده باشند.

در نتیجه این عوامل، جامعه اطلاعاتی و ارتباطی سطح آگاهی‌های جهانی و آگاهی فرهنگی شهروند این مناطق را بالا برده و نوع نگرش آنها به دنیا متفاوت شده است. شهروند این مناطق خودش را دیگر از منظر زندگی‌های منطقه‌ای نمی‌بیند، بلکه خودش را تا حدودی از درجه‌ای جهانی می‌نگرد. در اینجاست که وقتی می‌بیند رفتاری مثل فال‌گیری در اروپا و آمریکا هم رایج است، در جهان مجازی اینترنت هم گسترش دارد، به این نتیجه فرهنگی می‌رسد که این پدیده تعارضی با زندگی امروزی انسان ندارد.

البته تأثیرپذیری ناخودآگاه از فرایندهای جهانی به این معنا نیست که شهروند تهرانی مورد نظر هیچ نقشی ندارد. اتفاقاً یکی از ابعاد مهم فال‌گیری تناسب و نسبت آن با فردیت است. شهروند در شرایط امروز احساس می‌کند با انجام فال‌گیری فردیت خودش را هم محقق می‌کند. هنگام فال‌گیری فرد می‌تواند از چیزهایی لذت ببرد که خودش انتخاب کرده است. فردیت یعنی اولویت دادن به خواست‌ها و ارزش‌هایی که لزوماً ریشه تاریخی یا ریشه در ساختارهای جمعی سنتی ندارد بلکه معیار مشروعیت آن پذیرش و میل فرد است. فردی که اقدام به فال‌گیری می‌کند، دقیقاً رفتاری خارق‌العاده و نامعقول انجام می‌دهد که ممکن است با برخی ارزش‌های دینی یا عقلانی سازگار نباشد. دقیقاً این «سرپیچی اجتماعی» است که برای او تولید هیجان می‌کند، و هنگامی که او را سرزنش می‌کنند که چرا پولت را بیهوده هزینه می‌کنی، با قاطعیت می‌گوید دلم می‌خواهد، دوست دارم، از اینکار لذت می‌برم. فال‌گیری برای شهروند امروزی بخشی از فرایند امروزی شدن است. او دنبال فال می‌رود، به آیین‌هایی مثل یوگا روی می‌آورد و طریق عرفان سرخپوستی و هندی یا تجربه‌های عرفانی و ادبیات لاتین را می‌آموزد تا به او یک حس امروزی بودن، حس فرهنگی بودن را منتقل کنند. درست است که این‌ها رفتارهای عقلانی و علمی نیست است، اما او احساس می‌کند از این طریق فردیت اش ارضاء و اشباع و تأمین می‌شود.

یکی از شاخصه‌های مدرنیسم، عقلانیت یا رفتارهای مطابق با معیارهای عقلی و حاکمیت علم است. اما در دوران پست‌مدرن این طور نیست. شما برای شکستن ساختارهای خشک و علم زده به سنت متصل می‌شوید و این امر به معنای این نیست که آنها که چنین می‌کنند، پس فاقد خردند. بلکه این است که فرهنگ و تجربه انسان در دوره پسامدرن این وضعیت را ایجاب می‌کند. به نظر من این عده از شهروندان زیست‌جهانشان، زیست جهان احساسی‌شان، شیوه‌ها و مجاری ادارکشان از فرهنگ فرانوگرایانه یا پست مدرن تغذیه می‌شود. منظور این نیست که ما در جامعه‌ای پسا مدرن زندگی می‌کنیم یا دوره مدرنیته را پشت سر گذاشته‌ایم. بلکه منظور این است که پاره‌ای از شرایط زندگی ما لاجرم متأثر از رسانه‌ها و اینترنت و فرایندهای جهانی شدن است و این تحولات را معمولاً با واژه پسامدرن می‌شناسند.

اما شاید بتوان مهمترین تمهید فال‌نامه‌ها و فال‌بینان برای تولید لذت و هیجان در مشتریان خود، القاء نوعی حس امیدواری و تولید «نیروی مثبت» از طریق بیان مطالب شادی‌آور در آنها است. برای این منظور، اگرچه ممکن است درباره وجود دشمن یا چشم بد برای مشتری سخن بگویند، یا هشدار دهند که خطری زندگی فرد را تهدید می‌کند، اما در نهایت بگونه‌ای مسائل را بیان می‌کنند که مشتری با احساس امیدواری و شور و نشاط از نزد فال‌بین دور می‌شود. فال‌بینان و فال‌نامه‌ها با «ستایش کردن» مشتری از طریق بیان و انتساب صفات خوب اخلاقی مانند اینکه شما قلب پاکی دارید و فرد درستکار و صادقی هستید، بد کسی را نمی‌خواهید، اهل گذشت و فداکاری، محبت می‌کنید و تشنه محبت‌اید، خداوند شما را خیلی دوست دارد و امثال اینها، ضمن جلب توجه و تحکیم حس اعتماد مشتری نسبت بخود، در او نوعی حس خودستایی را ایجاد می‌کند و از این راه دل مشتری را بدست می‌آورد. بعلاوه، فال‌نامه‌ها و فال‌بینان با راه‌حل‌ها و هشدارهایی که به مشتری می‌دهند، در او نوعی خوش بینی و امید نسبت به حل مسائل زندگی را بوجود می‌آورند. تمام این هیجانات و لذت‌ها، باعث سرگرم شدن و تفریح مشتری می‌شود.

بر این اساس برای دست یافتن به ساختار فال‌نامه‌ها و آگهی از زمینه اجتماعی و فرهنگی این پدیده به بررسی متون فال‌نامه موجود در مجله «خانواده سبز»، به عنوان پرخواننده‌ترین مجله ایرانی خواهیم پرداخت. البته ذکر این نکته لازم است که دیگر نشریات موازی «خانواده سبز» از قبیل روزهای زندگی، مجله خانواده، راه زندگی، صبح زندگی، موفقیت، کانون خانواده و... پدیده فال‌نویسی و طالع‌بینی را به چاپ می‌رسانند. در سویی دیگر نشریات دولتی مانند نشریه همشهری خانواده که یک نهاد غیر خصوصی است، با نوشتن مطالبی از جمله مدرسه جادوگری، روزنامه «ایران» در بخش ضمیمه رایگان خود در ستونی تحت عنوان «اقبال امروز» و روزنامه جام‌جم که در بخش ضمیمه رایگان خود، فال و طالع‌بینی روزانه به چاپ می‌رسانند.

مجله خانواده سبز

مجله خانواده سبز با زمینه فعالیت خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی در مرداد ماه ۱۳۷۸ شمسی منتشر شد. در چهاردهمین سال انتشار خانواده سبز، این نشریه مدعی عنوان پرخواننده‌ترین مجله ایرانی است. هر پانزده روز یکبار شماره جدید مجله منتشر می‌شود. بیش از ۴۵۰۰۰۰ نسخه شمارگان (تیراژ) چاپی و بیش از ۱۶۰۰۰۰۰ شمارگان اینترنتی در ماه نشان از مخاطبان گسترده عادی و الکترونیکی مجله در سراسر جهان است. خلاقیت، نوآوری، توجه به سلیقه‌های اقشار مختلف، افزایش کیفیت و استفاده از نظریات کارشناسان متخصص از جمله اهداف مورد توجه مدیران نشریه بوده است (سایت مجله خانواده سبز).

روش تحقیق

در این مقاله، به منظور تحلیل و تبیین فال‌نامه مجلات خانواده، صفحه فال‌نامه مجله «خانواده سبز» در سال ۱۳۹۰، مورد بررسی قرار گرفته است. جهت رسیدن به لایه‌های نهانی و کشف نظام حاکم بر متون فال‌نامه، از روش پژوهشی تحلیل گفتمان استفاده شده است.

دیوید کریستال روش تحلیل گفتمان را در حقیقت زبان‌شناسی انتقادی تعریف می‌کند. این رویکرد مخصوصاً در تجزیه و تحلیل زبان‌شناسی انتقادی، به تجزیه و تحلیل متون در ارتباط با بافت‌های اجتماعی‌ای که این متون در بستر آن‌ها به وجود آمده‌اند و در همان بافت باید تفسیر شوند می‌پردازد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸).

روش تحلیل گفتمان، به دلیل عدم توافق میان صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه پژوهشی، از قالب و سبک نظام‌مند و واحدی میان پژوهشگران برخوردار نیست و برداشت‌های مختلفی نیز در کاربرد این روش وجود دارد. روث وداک، نورمن فرکلاف، تئون ای. ون‌دایک و لاکلا و موفه معروف‌ترین رهیافت‌ها و رویکردهای عملی را برای تحلیل گفتمان متون ارائه کرده‌اند. می‌توان رهیافت‌های کاربردی و عملی فرکلاف و ون‌دایک را به دلیل داشتن یک رویکردی منظم‌تر و مدرن‌تر و نگاهی کارا تر در تحلیل و تفسیر متن، نسبت به سایرین بهتر دانست.

این مقاله، رویکرد کاربردی ون‌دایک را برای تحلیل گفتمان ملاک قرار داده است. البته در شرایط بهتری می‌توان از تلفیق دو رهیافت فرکلاف و ون‌دایک برای تحلیل و بررسی متون استفاده کرد، اما چون ون‌دایک یک طرح مشخص و مناسب در تحلیل متون رسانه‌ای ارائه کرده، در این تحقیق ترجیح داده شد که از الگوی تحلیلی وی استفاده شود.

ون‌دایک اساساً تحلیل گفتمان را تحلیل ایدئولوژی می‌داند، زیرا طبق بیان او، ایدئولوژی‌ها بطور برجسته معرف تفکر متون نیست. وی برای تحلیل ایدئولوژی‌ها در رهیافت تحلیلی خود سه بخش قرار داده است؛ تحلیل اجتماعی، تحلیل شناختی و تحلیل گفتمان. تحلیل اجتماعی در

حقیقت، بررسی و تحلیل ساختارهای کلان اجتماعی است. تحلیل شناختی، شامل شناخت فرد(فارغ از بافت متن) و شناخت اجتماعی(ارزش‌های اجتماعی مثل صداقت و برابری، ایدئولوژی‌هایی مثل فمینیسم، جنسیت‌گرایی و ...، دانش و معرفت اجتماعی و تکثر فرهنگی) می‌باشد. تحلیل گفتمان نیز شامل تحلیل نحوی، واژگان، انسجام موضوعی، معناشناختی و معناکاوی و ... است(ون‌دایک، ۱۳۸۲).

روش تجزیه و تحلیل فال‌نامه‌ها

با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون‌دایک، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن فالنامه انتخاب شده - از صفحه آخر مجله «خانواده سبز» تحت عنوان «ماه به ماه با رازهای خوشبختی»- در نظر گرفته شد. این فرم حاوی چندین کارویژه است. دو کارویژه اول، تاریخ و فصل‌های سال است که گویای اطلاعات شناسه‌ای فالنامه است. سایر کارویژه‌ها، که از طریق آنها می‌توان نظام گفتمانی و همچنین شناسایی مقولات متنی و درون متنی متون را به دست آورد، عبارتند از: سبک واژگان(مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح شده در متن(مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها و گزاره‌های اساسی متن‌های خبری. پس از استخراج اطلاعات مربوط به متون، این اطلاعات پایه اصلی تحلیل فرامتن را تشکیل می‌دهند. مجموعه متون فالنامه پس از استخراج مقولات و کارویژه‌های متنی، در نهایت تحلیل و تفسیر فرامتنی خواهد شد که این تحلیل به اخذ نتایج اصلی و پاسخگویی به سوالات مقاله می‌انجامد.

یافته‌ها

این بخش به ارائه یافته‌های مربوط به این تحقیق می‌پردازد. بر این اساس، ابتدا مقولات متنی فال‌نامه استخراج شده و سپس اطلاعات استخراج شده مبنای تحلیل متنی و فرامتنی متون فال‌نامه قرار می‌گیرد. در تحلیل فرامتن، با توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی متون و مقولات گفتمانی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

مقولات کلی فالنامه‌ها

(۱) توصیفات شخصیت

صفات مثبت و صفات منفی در کنار صفات عاطفی و عقلانی در توصیف شخصیت لحاظ شده است:

الف) جهت‌گیری صفات: صفات خوب: جذاب، اهل عمل، توانا، قابل اعتماد، صبور، صاف و

ساده، با استعداد، خوش‌خو، راستگو، مهربان، موفق، باگذشت، با اراده و
 صفات بد: جاه‌طلب، لجوج، رک‌گو، افراطی، خسیس، سرگردان، پرحرف، مغرور، عصبانی، خودبین، مادی‌گرا، بی‌حوصله، رنجاندن اطرافیان و
 (ب) جنس صفات: صفات عاطفی و احساسی: رمانتیک، احساسی و پرشور، درون‌گرا، پرمحبت، مهرورزی، پر جوش و خروش، دلبذیر، اهل هنر، اهل خانواده و
 صفات عقلانی: سیاست مدار، صلح طلب، عدالت خواه، حسابگرا، انتقادپذیر، منضبط، اهل ریاست، اهل استدلال، خلاق، جدی، ریاضی وار فکر کردن و



فال به «من آرمانی» که از خواسته‌های مثبت تشکیل شده است و اغلب جنبه تجربدی دارد، می‌پردازد و از آنجا که برآوردگی ذهنی محرومیت‌ها و انگیزه‌ها را به همراه دارد، لذت بخش است. دنیای فال، دنیایی بزرگ است که لذت‌محور و در عین حال پوچ و شکننده است. در واقع جملات فال باعث می‌شوند «بلیط ورود به عالم هستی را تمدید کنیم».

فال محل و دیالکتیک امر آرمانی و امر واقعی است، محل تجمع تشویش و آرامش، بشر و ماورای او، حاضر و غایب، سکون فیزیکی و حرکت ذهنی، گریز و پناه، تمدن و طبیعت، خاص و عام، غربت و قربت، حیات - مرگ و مرگ - حیات و خلاصه محل اجتماع جفت‌های متضاد است. نظامی نیست براساس تفاوت‌های ساختارگرایانه، بلکه سامانی است براساس شباهت در خطاها، آمال و تقدیر انسانی، شباهت‌های کلی و برخوردار از قابلیت بالای تقلیل‌پذیری تا چند پهلوی شدن، همه‌گیر و همه حال بودن را تولید می‌کند. خواننده نه تنها با متن ارتباط برقرار می‌کنند بلکه متن با قسمتی از او درگیر می‌شود: ناخودآگاه. نیرویی و شنیدن و مخاطب قرار گرفتن، باعث می‌شود تا جملات فال از ذهن تلنگر بزنند که اغلب در نیمه خودآگاه و ناخودآگاه سیر می‌کنند. این تحریک باعث می‌شود که فرد بازنمایی خود را در جملات پیدا کند و به تفکر بپردازد.



۲) آینده‌نگری

در توصیف آینده‌نگری می‌توان بر سفر، آینده شغلی، موفقیت فردی، پیش‌بینی اوضاع دشوار و مشکلات، خبر از سرخوشی‌ها انگشت نهاد.

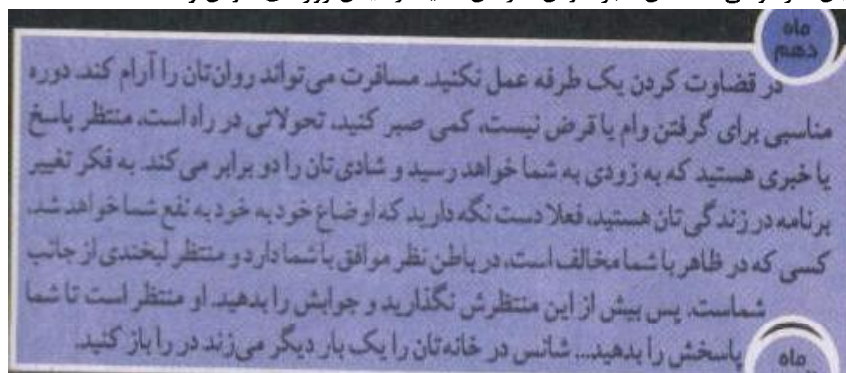
سفر: رفتن به مسافرت، دیدار با دوستان، بذل توجه به گذشتگان و برسر مزار آنها رفتن، بازگشت دوستان و

آینده شغلی: ارتقای شغلی، ادامه دادن شغل حاضر، تغییر شغل، پافشاری و جدیت در کار، کار زیاد کردن، رفع مشکل کاری و

موفقیت فردی: مشکل‌گشایی، کامیابی، پاداش فردی، بهبود اوضاع، جوانه زدن امید، داشتن، صداقت و صمیمیت، آینده روشن، فرد وفادار و

بیان ملامت‌های زندگی: آشکار شدن راز، احساس تنهایی، وجود خطر، به وجود آمدن غم، غافل بودن از اطرافیان، دغدغه کاری و

بیان سرخوشی‌ها: آمدن خبر خوش، گرفتن هدیه، رسیدن روزهای خوش و



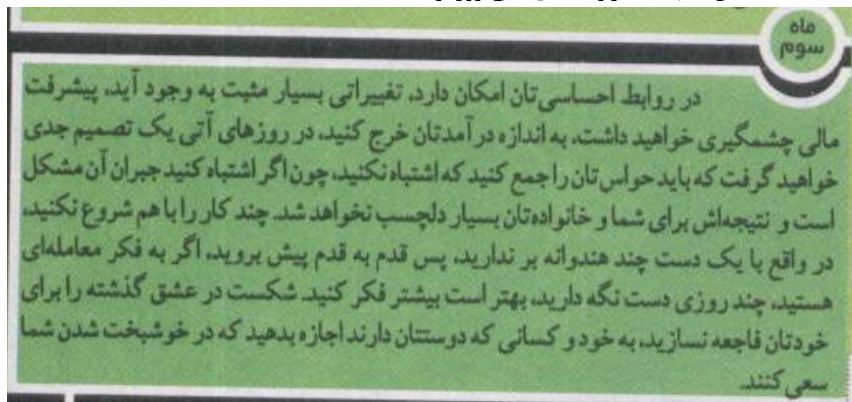
فال محل قراردادن خود در متن و البته کمی معنا یافتن است، صدای غریب اما زود آشنا است برانسان محبوس در قفس آهنین وبر، و مانند نقاشی‌های پولاک محلی که می‌توانیم در آن گم شویم تا خود را باز یابیم.

فال به توده گوشت بی‌سرنوشت و خسته از بلاتکلیفی هویت می‌دهد. به او می‌گوید تو چیزی هستی که در هر حال، سرانجام و سرنوشتی داری، نابود نخواهی شد، چیزی در انتظار توست. به فرد حسی از نوع یکتایی می‌دهد چرا که تصویری یگانه و بی‌تا از امیدی دور تصویر می‌کند. فال باعث فعال شدن عقلانیت توجیه‌گر در فرد می‌شود و منطق را که به هیچ وجه اهل تسامح نیست برای مدتی به کنار می‌زند تا او هر چند برای ساعتی احساس رهایی کند (مهرگان، ۱۳۸۲: ۲۲).

فال زهدانی است که در آن همه چیز متعلق به آینده است. پاسخی به حس «بی‌قراری فاوستی آدمیان که از ارضای امیال آگاهانه خود ارضا می‌شوند» (برمن، ۱۳۸۶: ۵۱). «به زودی خبر خوشی به شما خواهد رسید»، «پاداشی در انتظار شماست»، «در ماه جاری به موفقیت‌های تحصیلی، اجتماعی و شغلی دست پیدا می‌کنید» و صدها و صدها جمله مشابه دیگر. کاراکترهای استیضاح شده فال جملگی خوشبخت هستند! همه جا صحبت از موفقیت و خوشی است. از بیان مشکلات طفره می‌رود و یا آن را به دست تقدیر می‌سپارد. تقریباً آنجا که سایه شوم ناامیدی، ناکامی، عدم موفقیت و به طور خلاصه بیان مشکلات بر زندگی آدم‌هاش سایه افکنده است، خداوند به عنوان تنها عامل نجات بخش و قادر مطلق معرفی می‌شود، فعل و تلاش و اراده آدمی تقریباً در تغییر سرنوشت و ... نقشی ندارد. برای رفع مشکلات به واگویی اخلاقیات امر می‌شود: «گر سخت تلاش و کوشش کنی، موفق خواهی شد»، «صبر پیشه کنی که خداوند با صابران است» و یا «نیت بد شما را به جایی نمی‌رساند».

فال خبر از آینده می‌دهد، آینده‌ای که حکایت از خوشی‌ها و موفقیت‌های شغلی، تحصیلی و اجتماعی دارد، پس طبیعی است که بیان مشکلات اگر در آن جایی ندارد به زودی برطرف خواهد شد، البته با اراده و ایمان محکم به خدا. سفر و ماجراجویی است در ساحت خیال انسان خوار داشته شده بر فراز آوارهای فلزی و بتنی شهرها. در فال عنصر سفر، یک عنصر پایدار و ماندگار می‌باشد. سفر در «ماه به ماه با رازهای خوشبختی»، به دلیل بر انتشار بر حسب دو هفته یکبار و سیستم پیوسته و سالیانه، محدود به عنصر زمان می‌شود؛ در فصل‌های بهار، پاییز و تا اواخر زمستان حرفی از سفر و مسافرت به میان آورده نمی‌شود اما همین که به هفته‌های آخر زمستان می‌رسیم و یا تعطیلات تابستان شروع می‌شود، از مقوله سفر برای آینده‌نگری استفاده می‌شود. با توجه به تقویم و شرایط اجتماعی- فرهنگی جامعه ایرانی در تعطیلات فروردین و تابستان پیش‌بینی سفر پای ثابت

فالنامه است: بیان بدیهیات قراردادی زندگی روزمره.



۳) ارتباطات

منظور از ارتباطات، ارتباطات فرد با دوستان، خانواده و اطرافیان و نحوه برقراری ارتباط با این سه طیف مختلف است.

روابط با دوستان: انتخاب دوست مناسب، توجه به دوستان، ادامه دادن رابطه، داشتن دوستان خوب، دلتنگی‌های دوستانه و ...

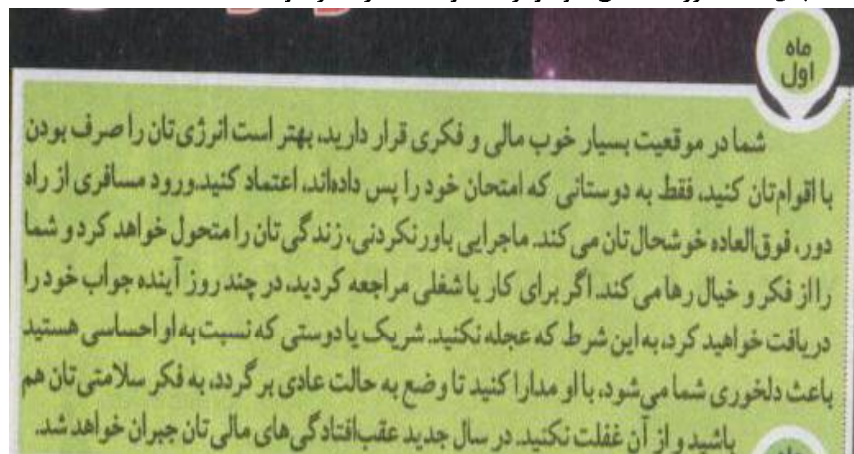
روابط با خانواده: توجه به خانواده و مسائل درون آن، مشورت با خانواده، ادامه دادن رابطه صمیمی و همفکری با خانواده و ...

روابط با اطرافیان: غافل نشدن از اطرافیان، محتاط بودن در روابط با اطرافیان، توجه به اطرافیان و همسایه‌ها و ...



هشدار و ارائه پیشنهاد در مقوله ارتباطات تکرار مکرر داشت: فال از دست اطرافیان و اجتماع گریزان است. فقط فرد می‌ماند و همین بس. روابط با اطرافیان بیشتر از سایر زیرمقوله‌ها، ارتباطات را تشکیل می‌دهد. آنچه که بدیهی است را باز هم در فال می‌بینیم. به طبع دایره

روابط دوستانه و خانوادگی خیلی کوچکتر از دایره روابط با اطرافیان که شامل همسایه، همالان و... می‌شود. به افرادی که از آن‌ها شناخت دقیق نداریم نباید اعتماد کامل داشت از این روست که اکثر مواقع در فالنامه نسبت به روابط با اطرافیان هشدار و پیشنهاد ارائه می‌شود: «در روابط با اطرافیان بازنگری کن»، «اعتماد زیاد دارید، محتاط باش»، «لنجرچی زیاد برای اطرافیان» و بسیاری موارد از این قبیل. «روابط دوستانه و خانوادگی باید ادامه پیدا کند. روابط را بیشتر کنید. وقت بیشتری را صرف اینگونه روابط کنید.» نوعی سفید و سیاه‌سازی شطرنج‌وار در فال‌نامه‌ها دیده می‌شود. بر حذر داشتن فرد از روابط توأم با اطمینان کامل با اطرافیان و ادامه روابط و هر چه صمیمی‌تر کردن روابط دوستانه و خانوادگی. فال ریش‌سفیدگونه و محافظه‌کارانه معتقد است مدام باید گوشزد کرد. جوانی نسلی به غایت خطاکار و ظاهربین است؛ پس باید مکرر استیضاح شود و از خطا و اشتباه بر حذر شود.



۴) روابط عشقی

پیش‌بینی روابط عشقی در آینده که این توصیفات یا خوب است و بر ادامه دادن روابط تاکید دارد و یا بد است و در آینده این بحران حل می‌شود. توصیف روابط عشقی مناسب: موفق بودن در این راه، روابط خوب، آینده مطابق میل شماست، نداشتن رقیب عشقی در دسر ساز و
توصیف روابط عشقی نامناسب: بحران در روابط و ارائه پیشنهاد، مشکل و بهبود اوضاع، روابط عشقی بد و گذشتن از فرد مورد نظر و
«روابط را ادامه دهید»، «وضع بر وفق شماست»، «رقیب عشقی به راحتی پشت سر گذاشته می‌شود»، «باز به تغییری نیست» و «آن کس که موفق و جاودانه می‌ماند تو هستی و

همین بس.» در ادامه فال، ساختن نوعی «خود» است که تنها از دورن نقش‌های اجتماعی شکل نمی‌گیرد، بلکه نقش‌های اجتماعی حذف می‌شوند و فرد باقی می‌ماند و طبیعت و نسخه‌ای دلپذیر از سرنوشت. فال متنی است عمومی و هویتی منفرد و اختصاصی می‌سازد و خواننده را دچار لذت جنسی می‌کند. فال نوعی تصور انسجام بیرونی را برای کسانی که نمی‌توانند به انسجام درونی برسند، به ارمغان می‌آورد و مانند دوره ابتکار اریکسون و پیاژه در سن ۳ تا ۶ سالگی، هر چیزی در این دنیا ممکن است، زیرا چیزی از محدودیت‌های قانونی پیروی نمی‌کند (کاپلان، ۱۳۷۶: ۳۱۴). فال محلی است برای فرار از تصحیحات اجتماعی رفتار و مماشات‌های جمعی، زمانی است برای گریختن تکانه‌های ویرانگر، ذائقه‌های سرکوب شده و روان‌نژدی‌های فراموش شده خواننده امیدوار که شاید مجالی باشد برای پاسخگویی به تکانه‌های مبتنی بر آرزو (فروید، ۱۹۸۴).



۵) توصیف مشکلات

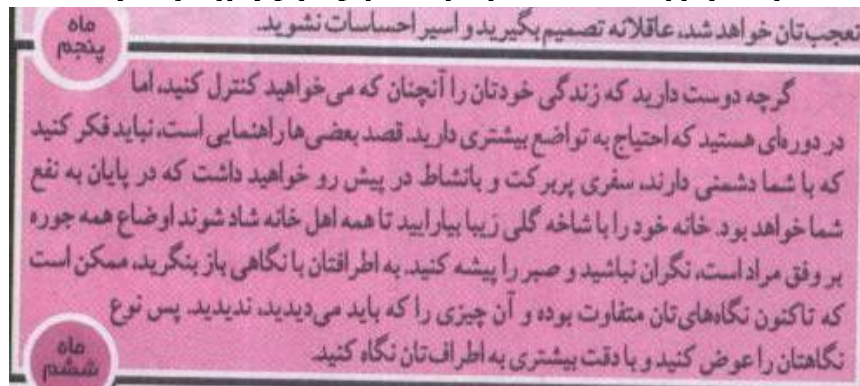
مقوله مشکلات به زیر مقولات مشکلات مادی، فردی-روانی و مشکلات اجتماعی تقسیم شده است.

مشکلات مادی: اسراف‌گر، نگرانی مالی، مشکل در معاش، بی‌توجهی به امور روزمره، دچار آسیب بدنی شدن، گره در کار شغلی و

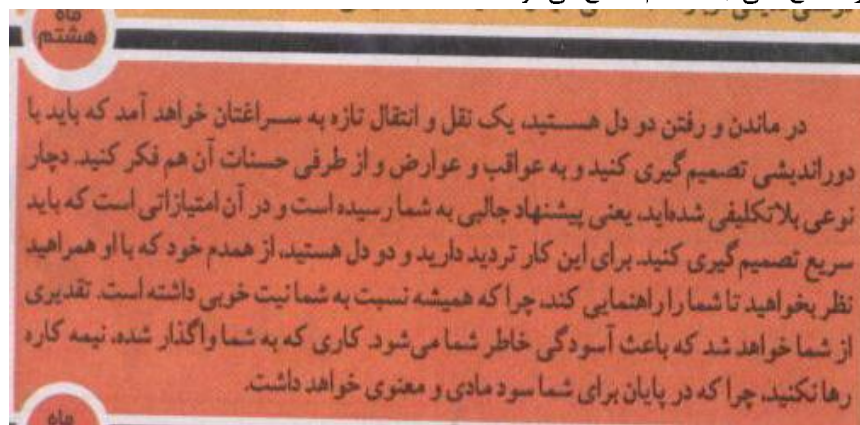
مشکلات روحی و روانی: دلتنگی، خودخوری، اندوه، پشیمانی، تصمیم نادرست، دچار بی‌ثباتی شدن، شلوغی و در هم ریختگی، تضاد و دورویی در شما و

مشکلات اجتماعی: اطرافیان ریاکار، درگیری با دیگران، افتادن در دام فریب و فریب کاری، حسادت به شما، غیبت پشت سر شما و ...

سایر: بیشتر مربوط به مشکلات معنوی بود مثلاً توکل نکردن و دوری از خدا و ...



فال محل تولید و یافتن نوعی حضور و حیات مستقل است. فال با زندگی واقعی در مبارزه است و با زندگی اجتماعی در رقابت، چرا که مخاطب جملات آن فرد خاصی با ضمیر «تو» است. فال به نقد فرد می‌پردازد و دژ محکمی برای محافظت از ساختارها می‌چیند. مشکلات، مشکلات فردی است نه اجتماعی. عامل ایجاد مشکل فرد است جامعه به حال خود باقی می‌ماند. مشکلات فقط با توکل و توسل به تنها منجی و قادر مطلق برطرف می‌شود و البته با صبر. فال دست روی مشکلات انتزاعی می‌گذارد. همه چیز در نهان ناپیدای آدمی سرچشمه دارد. خودت را اصلاح کنی جامعه هم اصلاح می‌شود.



تفسیر

(۱) جملات فال، جملاتی هستند که تصویر ماورای زمان ترسیم می‌کنند و در عین حال خود را محدود به زمان حال و مشکل اکنون خواننده می‌کنند. از یک حال ابدی سخن می‌گویند و

آرامشی مانند رخوت آرام یک مخدر در خواننده ایجاد می‌کنند. فال با سرشت وهم‌آلود و رؤیایی خود بارآوری امیدهای نطفه بسته است، پاسخی است به حس آزارنده بی‌سرنوشتی و در تبعید بودگی. فال دست خواننده را می‌گیرد و خرامان و گام به گام او را از رئالیسم خارجی به فضای سمبلیستی رؤیایی دورن هدایت می‌کند. هر چند به باور دریدا، نوشته دالی دسته دوم برای کلام و به علت تأخیر در حدوث و موجودیت یافتن کنشی تکمیلی است و اگر برای بارت حاصل خلأیی در گفتار (بارت، ۱۳۸۲) اما در اینجا نوشته، شعبده زبان و تخیل، با «تو» همزمان سخن می‌گوید و حتی از اکنون و گذشته در می‌گذرد و به اظهار نظر در مورد آینده می‌پردازد.



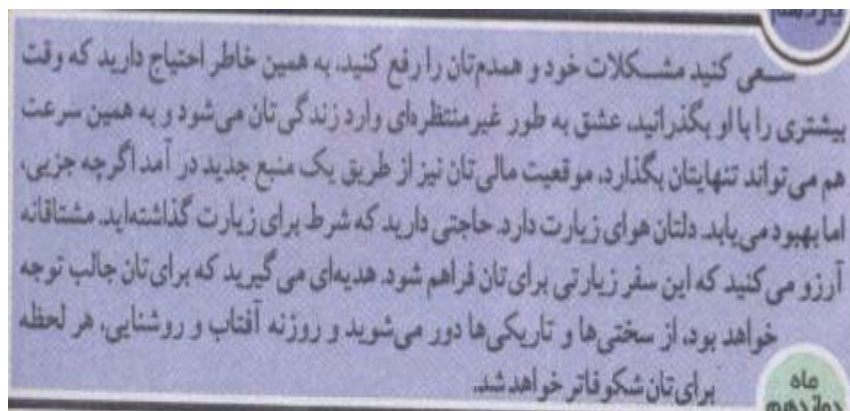
اگر برای دریدا چیزی که بتواند نام حقیقت بگیرد وجود ندارد، برای خواننده فال، پدیده‌هایی مانند سرنوشت و حیات ابدی حقیقت می‌یابند و در دوره ایستایی همگانی، موجد حرکتی فاتحانه، بدون تنش و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی است (برمن، ۱۳۸۶: ۱۳۵). فال با آنچه می‌داند سروکار ندارد بلکه به پدیده‌ها و تصوراتی اشتغال دارد که نمی‌شود دید و لذا می‌توان به آن‌ها دلخوش کرد: حقیقت و پیشانی نوشت و به عنوان مدلول‌هایی مطلق. فرد علل گوناگونی را در تأیید حضور شخصی خود در متن می‌یابد در حالی که در واقعیت هیچ تضمینی برای اثبات این حضور نیست.

آیندنگری در فال‌نامه به عوان دالی دسته اول جایگاه خاصی دارد. در واقع فال با توسل به شعبده خاص خود (توسل به زندگی روزمره) خبر از آینده می‌دهد. بشر از قدیم الایام همیشه در کنجکاو و در پی یافتن آگاهی و خبر از آینده بوده است، جستجوی کشف نشدنی‌ها. پس فال‌نویسان و فال‌گیران با آگاهی از این نیاز اساسی و برای پاسخ به این غریزه و حس کنجکاو خبر از آینده می‌دهند. اگر در گذشته طالع‌بینی آداب و رسم خاص خود را داشت (مانند رفتن فرد نزد طالع‌بین، آرام نشستن، به شمع نگاه کردن، به او و اوراد او گوش دادن، خود را بدون

سانسور عرضه کردن و ...) و اکنون تبدیل شده است به فال خوانی از روی کتاب یا مجله، اما به هر حال فال از جایگاه خاصی برخوردار بوده است تا جایی که ما یک حوزه و حرفه جداگانه‌ای به نام سحر و جادو سراغ داشتیم. برآستی علت بوجود آمدن این نقش‌های اجتماعی که در قدیم از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بوده‌اند و تداوم آن در زمان حال چیست؟ و علت اینکه امروزه متن اکثر فال‌نامه‌ها مربوط به آینده‌نگری و پیش‌بینی آینده شده است چه می‌تواند باشد؟ آیا چیزی جزء این می‌تواند باشد که فال مُسکِن است، چرا که هنگام خواندن فال (به‌ویژه برای خود من که برای لحضاتی قصد همزادپنداری داشتم)، خواننده کنترل بسیار اندکی بر خود و جهان پیرامون خود احساس می‌کند. بی‌شک این گشت و گذار در آینده می‌تواند برای «انسان تک‌ساحتی» لذت آفرین باشد.

۲) توصیف شخصیت، توصیف مشکلات، دو مقوله دیگر موجود در متن فال‌نامه‌ها بود. در عموم این شرح‌ها با گزاره‌های عام و کلی روبرو هستیم. گزاره‌هایی که به‌طور معمول به عنوان حالات و صفات بشری بر تمامی انسان‌ها مصداق دارد. این صفات و حالات مختص به فرد نیست و از وجود بارز او محسوب نمی‌شود. پس می‌توان چنین ادعا کرد که جملات فال، جملاتی هستند که برای هر فردی در هر حال ذهنی حرفی برای گفتن دارند. دلالتی عام دارند، جملاتی هستند که همواره فاصله خود را با واقعیت زندگی و ابره‌هایش حفظ می‌کنند تا بتوانند در این فضای ایجاد شده، دست به کار تشکیل ساختار کلی‌گوی و همه حال گو شوند. این جملات راه را برای هر فردی قابل تغییر و اینکه بتواند در حالی که از همه چیز می‌گوید، هیچ نگوید، «تنی از آن همه و هیچکس».

۳) دو مقوله دیگر، پرداختن به روابط عشقی و ارتباطات است. جنس و جنسیت مخاطب، جنس نوشته و شرح فال را تعیین می‌کند. به راستی چرا اکثر جوانان و بالاخص اکثر دختران جوان مشتاقانه خودشان را به آغوش فال‌نامه‌ها پرتاب می‌کنند؟ در واقع می‌توان چنین ادعا کرد که فال‌نویسان آنچنان بی‌ربط و غیرآگاهانه هم نمی‌نویسند. با آگاهی از ارتباطات زمانه خود، زندگی روزمره پیرامون، نوع و جنس مخاطبان‌شان می‌نویسند البته در قالب دالی کلی. حقیقتی به عنوان رابطه اجتماعی: رابطه دختر و پسر، فرزند و والدین، خانواده و جامعه و ... فال‌ها از این رابطه‌ها آگاهند و می‌نویسند و چون که با یک مثبت‌اندیشی همراه است تردید باقی نمی‌گذارد و مخاطب را به احساس خوشبختی می‌کشاند. خبر از روابط عشقی دادن از کارکردهای دیگر فال می‌باشد. در تمامی تعبیرات فال مجلات این ساخت به وفور یافت می‌شود و در واقع نوعی طربناکی و طنز و بیانی از عشق و آرزومندی موج می‌زند.



۴) در فصل‌های سرد سال (پاییز و زمستان) مقوله مشکلات بیشتر وجود داشت. مشکلات اعم از مشکلات مادی، روانی، اجتماعی و یا بحران در روابط عشقی رو به فزونی می‌گیرد و از آینده‌نگری که توام با خوش‌بینی می‌باشد کاسته می‌شود. از اواخر اسفند ماه به بعد این روند تغییر می‌یابد و به جای آن تا اواخر تابستان ما مدام از آینده‌نگری، توصیف صفات خوب و روابط عشقی موفق می‌شنویم. پس فال دربرگیرنده زمان و مکان و فضای زندگی روزمره است. دیدی کلی‌نگر دارد و از جزئیات فراری. با گفتن کلمات «تو» این کلیات را فردی می‌کند.

۵) متولدین ماه‌های مختلف سال، در موقع طالع‌بینی در ماه خاص براساس ویژگی‌های متولدین همان ماه طالع‌بینی می‌شوند. به عنوان نمونه اگر از ویژگی‌های افراد متولد دی ماه مشکل در برقراری ارتباط، خجالتی، و بالاخص روابط عشقی و ارتباطات ضعیف است؛ در طالع‌بینی مجله دی ماه، طالع‌بینی متولدین مختلف ماه هم بر اساس این معیارها و ویژگی‌ها بیان می‌شود. مثلا فرد متولد ماه تیر که از ویژگی‌های او روابط عمومی بالا و موفقیت در روابط عشقی و سایر امور زندگی می‌باشد در مجله دی ماه از بحران در روابط عشقی و یا اصلا توصیف نکردن روابط عشقی، وجود مشکلات مالی و روانی صحبت به میان می‌آید و برعکس فرد متولد دی ماه در طالع‌بینی مجله تیرماه اینگونه طالع‌بینی شده بود: جوانه‌های امید زده شده است، به موفقیت در زندگی و برآورده شدن آرزوهایت خواهید رسید، ماه موفق‌ی در پیش رو دارید، روابط عشقی شما رو به سامان است، صبر پیشه کنید و امثال اینگونه گزاره‌ها.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، سعی شد به تحلیل متون و شرح فالنامه‌های مجله «خانواده سبز» پرداخته شود. هدف این بود که مقولات موجود در متن فالنامه‌ها را بدست آورده و براساس آنها به تحلیل متون مورد نظر و شناختی از زندگی روزمره ایرانی دست یابیم. درون‌مایه و زمینه‌های

اجتماعی-فرهنگی متون فالنامه از مهم‌ترین اهدافی بود که در این مقاله در پی شناخت آن بودیم.

ساختار فال‌نامه

۱- کلی‌گویی: در عموم این شرح‌ها با گزاره‌های عام و کلی روبرو هستیم، گزاره‌هایی که بطور معمول به عنوان حالات و صفات بشری بر تمامی انسان‌ها مصداق دارد. این صفات و حالات مختص به فرد نیست و از وجوه بارز او محسوب نمی‌شود: «ویژگی‌های شخصیتی: پرانرژی، زیرک، مهارت در طراحی، متکی به نفس، نیکوکار، خوش‌گفتار و خوش‌رفتار. هیچ‌گاه تعصب و بدبینی را که بلای جان آدمی است را نگذارید در خانه دلتان سکنی گزیند. زندگی پر از بحران و گرفتاری است. از رؤیایها فاصله بگیرید و بکوشید تا واقع‌بین و واقع‌نگر باشید. بخشی از این بحران‌ها زائیده تخیلات خام و نسنجیده است که شما خیلی از اونها را باور ندارید. به دنبال هوس‌های زودگذر نه الان، بلکه هیچ‌گاه نباشید. از منم گفتن‌های آنچنانی همیشه بپرهیزید، چون مردم هم گوش دارند هم چشم. متوجه ارزش وقت باشید که این پشتوانه ارزان به دست نمی‌آید» (نیمه دوم شهریور ماه سال ۹۰).

۲- این‌همان‌گویی: بارت (۱۳۸۰) در اسطوره در زمانه حاضر، همان‌گویی را تکرار مکررات می‌داند، جریانی که می‌خواهد هرچیزی را با خودش تعریف کند و در تعبیراتی نظیر «این‌طور است، چون این‌طور است» و یا در «همین است که هست» خود را متجلی می‌سازد (۱۲۶). در اکثر این شرح‌ها نیز تکرار بی دلیل عبارات، تعبیرات و حالات را شاهد هستیم.

۳- مثبت‌اندیشی: تقریباً در تمامی تعبیرات فال این ساختها به وفور یافت می‌شود: «تقدیر غرق غم‌ها اندوه خود نباشید. به فکر چیزهایی که ندارید نباش و سعی کن از آنچه که داری نهایت استفاده را ببری» و «از زندگی خود لذت ببرید بدون این که آن را با زندگی دیگران مقایسه کنید.» فرد هنگام خواندن فال مانند «کودکی که برای نخستین بار خود را در آئینه می‌شناسد، متوجه می‌شود که آنچه در آئینه هست هم شبیه خودش است و هم شبیه چیزی بیشتر. تعریف شده‌تر، متمایزتر و ظاهراً یکپارچه‌تر» دچار تجربه نوعی انسجام لذت بخش می‌شود. فرد درست مانند کودکی که در زهدان مادر از آرامش و امنیت لذت می‌برد و در طول حیات در حسرت تکرار آن تجربه، می‌کوشد با خواندن فال کمی آن فضا را تداعی و تجربه کند (کابیت، ۱۹۹۱).

۴- واگویی بدیهیات: عموماً پس از خواندن فال به احساس یا حقیقت تازه‌ای دست نمی‌یابیم،

اکثر جملات واگویی اصول بدیهی و مسلم زندگی ماست. به طور مثال در گزاره‌هایی نظیر «گر سخت تلاش و کوشش کنی، موفق خواهی شد»، «صبر پیشه کنی» و یا «در سفر زندگی آمد و شد کار ماست. کسانی که نیک اندیشند به زیبایی‌ها به حد کفایت لبخند خواهند زد. هیچ‌گاه نگذارید زندگی‌تان در دام تکرار گرفتار شود... اگر خط قرمزها را نادیده بگیرید، گرفتاری‌های متعدد برایتان پیش خواهد آمد» (نیمه اول شهریور ماه ۹۰).

۵ - تقدیرگرایی: در فال خداوند به عنوان تنها عامل نجات بخش و قادر مطلق معرفی می‌شود. فعل و تلاش و اراده آدمی تقریباً در تغییر سرنوشت و ... نقشی ندارد.



کدامین دنیا؟

فال به فرد این امید لذت بخش را می‌دهد که تو شرایط می‌توانند بهتر از آن باشند که اکنون هستند. در متن هر چند هیچ تسلطی بر سرنوشت محتوم نداری، اما این نوشتار به گونه‌ای است که گویی تو خود این راه را برگزیده‌ای. فرد در این حالت دچار تداعی آزاد می‌شود که در آن تحریف، سانسور و سکوت چندان جایی ندارد چرا که متن پیشاپیش این کار را کرده است و البته مظهر این تداعی آزاد، نه روان‌کاو و فاصله گرفتن از بیمار، بلکه خود فرد است (فروید، ۱۹۸۴).

فال دری است به ساحت تفسیرپذیری تام و خیال‌پردازی عام. لذت این خیال‌پردازی‌ها و دیدن واقعیت سرکوب شده نه در خواب بلکه در بیداری، برخاسته از اطفای نوعی شهوت است، اما نه اطفای شهوت بوسیله خود بلکه سرچشمه گرفته از فراغت از اصل واقعیت، تا اندکی اضطراب ناشی از واقعیت کاسته شود. چرا که همانگونه که فروید (۱۳۸۶) می‌گوید: زندگی در جوامع همیشه نوعی چشم‌پوشی غریزی را اقتضا می‌کند. از آنجا که لذت و عدم لذت را به اعتقاد فروید می‌توان به مثابه حالاتی در نظر گرفت که با وضعیت‌های ثابت و عدم ثبات نسبت و

ارتباطی روانی - جسمانی دارند. فرد با پناهنده شدن به امنگاه سرنوشت خیالی، در پی یافتن ثبات است. این کار به نوعی ناخنک زدن است به اصل لذت که تحت تاثیر غریزه‌ی صیانت نفس خود، جایگزین اصل لذت شده است.

فال با شرح‌هایی چند پهلو و مواظلی کلی در ذهن خواننده‌ای است که در متن در پی نمودها و در نهایت، بود خود است، حضوری خاص او می‌سازد. در واقع خواننده در پی یافتن ردپای متن در خود و جای پای خود در متن است و لذا متنی منحصر و مختص او. در این متون هر خواننده‌ای حاضر است و هر خواننده‌ای متنی نوشته شده برای خود دارد. هنگام خواندن فال، پذیرش قسمتی از فال ناقص است و اشتیاق به دانستن باقی موارد، متن را یکپارچه به خورد مخاطب می‌دهد. خواننده میان شکست حاضر در واقعیت و ظفر در سرنوشت، ناچار به تصمیم‌گیری است؛ خواندن باقی متن.

فال‌نامه در بستری فرهنگی

می‌توان فالگیری را از لحاظ محتوای فرهنگی و کارکردهای آن به گونه‌های زیر تفکیک کرد:

- فالگیری مسأله محور: هدف آن پیدا کردن راه حلی برای یک مشکل است.
- فالگیری اعتقادی: هدف آن انجام یک آن آیین یا باور فرهنگی خاص است.
- فالگیری فراغتی: هدف آن تولید لذت و پر کردن اوقات فراغت است.

تفکیک و طبقه‌بندی انواع فال‌گیری و متمایز ساختن فال‌گیری از پدیده‌های مشابه و مرتبط با آن در فهم این پدیده بسیار اهمیت دارد؛ زیرا برخی از این پدیده‌ها ظاهراً با یکدیگر شبیه هستند اما معنای فرهنگی کاملاً متفاوتی دارند. برای مثال، دعانویسی کنشی است که بسیاری از فال‌گیرها نیز انجام می‌دهند و از آن جهت که به نیروهای ماوراء الطبیعی متوسل می‌شوند دارای وجه مشترک‌اند. اما باید در نظر داشت که دعا نویسی کنشی مذهبی است و ریشه در باورهای دینی دارد اما فال‌گیری کنشی نسبتاً عرفی‌تر است.

می‌توان با تحلیل تاریخی از تحولات فرهنگی طولانی جامعه ایران، این فرض را مطرح ساخت که در دوران سنت، وجه غالب و معنای فال‌گیری بیشتر جنبه اعتقادی داشته است. اما با تحولات معاصر به تدریج فال‌گیری مسأله محور و سپس فال‌گیری فراغتی شکل گرفته و گسترش یافته است.

نکته‌ی دیگری که درباره نظریه و رویکرد ارائه شده در این مقاله باید در نظر داشت این است که تبیین فال‌گیری در ایران در پرتو نظریه پسامدرنیته، در بردارنده این مدعا نیست که جامعه ایران دوره مدرنیته را پشت سر گذاشته یا سرپا پسامدرن شده است. پسامدرنیته در دیدگاهی

که اینجا به کار رفته است نوعی تجربه کردن زندگی در یک ساختار و وضعیت اجتماعی خاص است که در آن رسانه‌ها، جهانی شدن رخداده است. اغلب کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای توسعه‌یافته لاجرم برای لحظاتی تجربه پسامدرن را به دست می‌آورند. این لحظات ممکن است ناپایدار، گذرا یا کم عمق باشد. اما وجود دارند.

فال‌گیری را می‌توان پاره از این لحظات تصور کرد که فرد بین سنت‌ها، تاریخ، و شرایط جهانی-محلی خودش پیوند می‌زند و «معجون فرهنگی» خاصی را خلق می‌کند. اینکه این معجون به چه میزان سالم یا ناسالم است و آیا برای بدن انسان امروزی مضر است یا خیر، نیازمند تحلیل‌های متفاوت دیگری است. ولی به هر حال، خود آگاهی نسبت به ماهیت فرهنگی فال‌گیری می‌تواند به فرد بینش انتقادی برای فهم دقیق‌تر این پدیده ارائه نماید، بینش انتقادی که ارزش آن نمی‌تواند کمتر از توصیه‌ها و موعظه‌های اخلاقی متعارف باشد.

توجه به این واقعیت است که اهمیت موضوع پیش پا افتاده‌ای مثل فال‌گیری تنها گسترش یافتن این پدیده یا ناسازگاری آن با عقلانیت و رواج خرافه‌پرستی نیست، بلکه همانطور که اشاره کردیم داده‌های تجربی در اختیار نداریم که نشان دهد نسبت به گذشته به چه میزان این پدیده افزایش یافته است. آنچه اکنون بیشتر مشهود است «توجه به» فال‌گیری و اهمیت داده به آن در رسانه‌ها و گفتگوهاست. یک تحلیل برای علت این امر، همانا اهمیت یافتن زنان و جوانان در فرهنگ و گفتمان‌های معاصر است. از این‌رو، موضوعات برخاسته از دنیا یا «زیست جهان زنان» نیز اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. بررسی مسائلی مانند فال‌گیری دریچه‌ای است گشوده به سوی دنیای جوانان و زنان و از این راه می‌توان تجربه درونی بهتری از واقعیت‌ها و تحولات دنیای آنها به دست آورد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس.
- بارت، رولان (۱۳۸۰) «اسطوره در زمانه حاضر»، ترجمه یوسف ابادری، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸.
- بارت، رولان (۱۳۸۲) لذت متن، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷) مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران، تهران: ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فروید، زیگموند (۱۳۸۲) ناخوشایندی‌های فرهنگ (نمدن و ناخرسندی‌های آن)، ترجمه امید مهرگان، تهران: گام نو.
- ----- (۱۳۸۶) «ورای اصل لذت»، ترجمه یوسف ابادری، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۱.
- کاپلان، هارولد (۱۳۷۶) خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، تهران: انتشارات شهر آب، چاپ دوم، جلد اول.
- گروه اجتماعی مجله گزارش (۱۳۸۷) «خوشبختی در ته فنجان قهوه (آسیب شناسی به پدیده‌ی فال و فال‌گیری در ایران)»، مجله گزارش، شماره ۲۰۳.
- ون‌دایک تئون ای (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان - از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- <http://www.parseek.com/search/?q=%D9%81%D8%A7%D9%84%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C>
- <http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?viewmode=flat&type...>
- [Http://www.ksabz.net/GetTopMenuContext.aspx?tid=180b7369-07d2-4bf4-9816-540d76d3ee1e](http://www.ksabz.net/GetTopMenuContext.aspx?tid=180b7369-07d2-4bf4-9816-540d76d3ee1e)
- Sean, Cubitt (1991). Time Shift: On Video Culture, Routledge, London, 1991.
- Sigmund, Freud (1984). "Beyond the Pleasure Principle" in On Metapsychology, Penguin Book.